۳۶

نهج‌الامامة

نهج البلاغه در کلام امام خامنه‌ای

معنای غدیر

امام معصوم، انسان والایی است که از لحاظ دینی، قلب او آیینه تابناک انوار هدایت الهی است؛ روح او به سرچشمه وحی متصل است؛ هدایت او، هدایت خالص است؛ از لحاظ اخلاق انسانی، رفتار و اخلاق او صددرصد همراه با فضیلت است؛ هوای نفس در او راهی ندارد؛ گناه بر او چیره نمی‌شود؛ شهوت و تمایلات انسانی، او را مغلوب خود نمی‌کند؛ خشم و غضب، او را از راه خدا دور نمی‌کند؛ از لحاظ سیاسی، بینش وسیع او آن‌چنان است که آرام‌ترین حرکات و ریزترین حوادث را در صحنه زندگی جامعه، با چشم تیزبین خود می‌بیند - که امیرالمؤمنین علیه‌الصلاه‌والسّلام فرمود: «وَ اللهِ لَا أَكُونُ كَالضَّبُعِ تَنَامُ عَلَى طُولِ اللَّدْمِ»؛ (خطبه ۶) یعنی من کسی نیستم که بشود با لالایی او را خواب کرد - در مواجهه با حوادث زندگی و وقایع کمرشکن، از خود شجاعت و اقتدار روحی و معنوی نشان می‌دهد؛ جانش برای او ارزشی ندارد، اما برای جان انسان‌ها، حتی مردم دور دست، حتی زنانی که جزو پیروان دین او نیستند، ارزش قائل است و می‌گوید اگر کسی از غصه دق کند، حق دارد. (خطبه ۲۷) امیرالمؤمنین علیه‌الصلاه‌والسلام در مقابله با خطرها آن‌چنان شجاعانه عمل می‌کند که می‌گوید کسی نمی‌توانست با فتنه‌ای که من چشم آن را درآوردم - منظور، فتنه خوارج است - یا فتنه ناکثین درافتد (خطبه ۹۳). آن معنویت و دین و اخلاق و فضیلت از یک طرف، آن بینش عمیق و شجاعت و فداکاری و عواطف رقیق انسانی در کنار صلابت و استحکام معنوی و روحی از طرف دیگر؛ همه اینها ناشی از عصمت است؛ چون خدای متعال او را به مقام عصمت برگزیده است و گناه و اشتباه در کار او وجود ندارد. اگر چنین کسی در رأس جامعه باشد، اوج مطلوب همه رسالت‌هاست. این معنای غدیر است.

۱۳۸۰/۱۲/۱۲

یادداشت

امام احیاگر نقش تاریخی و اجتماعی روحانیت

حسین عبداللهی‌فر
کارشناس سیاسی

رحلت آیت الله العظمی سیدحسین بروجردی به عنوان مرجع تقلید بزرگ شیعیان جهان اسلام در نخستین روزهای ۱۳۴۰ و وفات آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی در جایگاه مرجعیت سیاسی ایران در آخرین روزهای همین سال موجب شد دهه ۴۰ به نقطه عطفی در تاریخ مبارزه اسلام با استکبار و استبداد تبدیل شود. چراکه هر دو جایگاه مهم سیاسی و دینی آیات مرحوم در شخصیتی ذو ابعاد، عارفی زمینی، فیلسوفی آسمانی، فقیهی اصولی و عالمی زمان شناس و فرامکانی به نام روح الله الموسوی الخمینی(ره) متبلور گردید که نخستین سند مبارزاتی خود را از ۱۳۲۳ تحت عنوان «قیام لله مثنی و فرادی» منتشر کرده بود. تمرکز این دو جایگاه در چنین شخصیت ممتازی، چنان تحول بزرگی در مسیر نهضت اسلامی ایجاد کرد که آثار آن ظرف یک سال با قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آشکار گردید و بدین ترتیب نطفه انقلاب اسلامی شکل گرفت.

حضرت روح الله(ره) باور داشت که انقلاب اسلامی بدون تحول در جامعه انسانی، نظام اجتماعی و زیست مسلمانی به اهداف تحولی خود دست نخواهد یافت. لذا پیش نیاز حرکت خویش را متحول کردن خواص جامعه به ویژه مراجع تاثیرگذار دینی، سیاسی و اجتماعی قرار داد تا روحانیت را در تراز فلسفه سیاسی اسلام و نیازهای جوامع اسلامی، تحول بخش، رهایی دهنده، تاریخ ساز و نظام دهنده به اوضاع سیاسی و اجتماعی بشری با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی ارتقا بخشد.

حضرت امام(ره) به منظور تعریف نقش تاریخی و اجتماعی علمای دین و طلاب حوزه‌های علمیه، نگرش این قشر در چند حوزه اساسی را به عنوان پیش نیاز ضروری می‌دانست:

الف) رابطه دیانت و سیاست: اولین نقطه‌ای که حضرت امام(ره) ضرورت تحول در آن را مقدمه هر گونه تحول در مسیر حرکت اجتماعی دین مداران می‌دید، نگاه غلط برخی از متدینین به سیاست بود. آن بزرگوار بر این باور بود که هدف دین اگر هدایت بشر به سوی کمال هستی باشد سیاست دینی نیز هدفی جز رستگاری بشر ندارد. لذا نگاه غلط برخی از سیاست زدگان را ناشی از تعریف سیاست می‌دانست که در سیاست غیردینی و سوء استفاده از آن می‌دانست. بر همین اساس نه تنها فراگیری فلسفه و دانش روز را لازم می‌دید، بلکه مبارزه با متحجرین را به اندازه مقابله با سکولاریسم و طواغیت ضروری می‌خواند. ممانعت از ورود روحانیت به عرصه اجتماعی به بهانه قداست دین از نگرانی‌ها و دغدغه‌های بزرگ امام راحل بود که خلف صالحش در پیام یکصد سالگی حوزه مورد اشاره قرار داده و فرمودند: «دلواپسی امام بزرگوار از اینکه جریان تحجر و تقدس‌نمایی، حوزه علمیه را دچار وسوسه جدایی دین از سیاست و فعالیت‌های اجتماعی کند و راه درست پیشرفت را مسدود سازد، آشکار است.»

ب) نقش قدرت در هدایت: حضرت امام(ره) لازمه هدایت جامعه بشری به سوی مقاصد دینی را بسط ید و دسترسی به قدرت می‌دانست. وی باور راسخ داشت که همه انبیای الهی و امامان معصوم(ع) برای هدایت بشری تلاش کرده و از جان مایه گذاشته‌اند اما علت عدم توفیق آنها را که وضعیت کنونی جوامع بشری و انسانی شاهد مبرهن آن می‌باشد در کمبود قدرت و ابزارهای لازم برای هدایت می‌دید. لذا همزمان هم با طاغوت و هم با مخالفان حکومت اسلامی مبارزه می‌کرد، چنانچه می‌فرمود: «در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است! عده‌ای مقدس نمای واپسگرا همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ کس قدرت این را نداشت که در مقابل آنها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است.»

ج) لزوم بصیرت در شناخت دشمن: امام راحل با شناخت عمیق از دشمنان اسلام و بشریت نگاه برخی از علمای دینی و متدینین را بسیار ساده اندیشانه دانسته که سازش یا مماشات با آنها را نتیجه این نگاه غلط می‌دانست. حضرت روح الله امریکا را شیطان بزرگ، انگلیس را خبیث‌تر از آن و دولت‌های بسیاری از کشورهای اسلامی خاصه رژیم پهلوی را مزدور و حافظ منافع شیطان می‌دانست. لذا مقاومت در برابر شیطان بزرگ را اولی‌تر مقابله با ابلیس و شیاطین کوچک‌تر می‌دانست. این باور را حضرت امام(ره) چنان در حوزه‌های علمیه و علمای دینی گسترش و پرورش داد که امروز آثار آن را نه در دایره تفکرات شیعه بلکه در اندیشه سیاسی اهل سنت می‌توان مشاهده کرد.

تحلیل

چرا غنی‌سازی برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد؟

بازدارندگی فناورانه‌ای که قابل مصالحه نیست

گسترده، الگویی از پیشرفت مقاومتی و استقلال فناورانه برای سایر کشورهای مسلمان و مستقل ارائه داده است. ایران توانسته است بدون خروج از تعهدات بین‌المللی، مسیر بومی‌سازی فناوری حساس را طی کرده و در مقابل فشارهای سیاسی و کارزارهای فشار چندجانبه، رویکردی فعال و الهام‌بخش اتخاذ نماید.

ارتقای قدرت و جایگاه ایران در معادلات بین‌المللی

تسلط ایران بر فناوری غنی‌سازی و چرخه کامل سوخت هسته‌ای، نقش این کشور را به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در معادلات ژئوپلیتیکی منطقه و فراتر از آن تقویت کرده است. این توانمندی، نه‌تنها به افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در مذاکرات بین‌المللی منجر شده، بلکه بازدارندگی راهبردی ایجاد کرده و باعث ارتقای نقش ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های علمی و فناورانه مستقل در سطح جهانی شده است.

در نتیجه، غنی‌سازی اورانیوم در ایران تنها یک اقدام فناورانه نیست، بلکه ابزاری استراتژیک در جهت تثبیت موقعیت ملی در نظام بین‌الملل چندقطبی و مقاومت در برابر سلطه‌طلبی فناوری‌محور تلقی می‌شود. بنابراین فناوری غنی‌سازی اورانیوم در جمهوری اسلامی ایران، صرفاً یک فرآیند صنعتی یا علمی محدود نیست، بلکه پدیده‌ای «چندبعدی و راهبردی» است که در تقاطع چهار حوزه بنیادین قرار دارد: استقلال علمی، امنیت انرژی، مشروعیت حقوقی و قدرت ژئوپلیتیکی.

نخست، از منظر علمی و فنی، غنی‌سازی اورانیوم به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین فناوری‌های شناخته‌شده در جهان، نماد بلوغ زیرساخت‌های دانشی کشور در حوزه‌های کلیدی مانند فیزیک هسته‌ای، مهندسی دقیق، و فناوری خلأ است. دستیابی بومی به این سطح از فناوری، کشور را در زمره معدود دولت‌هایی قرار داده که به‌صورت مستقل قادر به طراحی، ساخت و بهره‌برداری از چرخه‌ی کامل سوخت هسته‌ای هستند.

دوم، در بعد اقتصادی و صنعتی، این فناوری بسترساز زنجیره‌ای از صنایع پیشرفته شده، موجب اشتغال‌زایی تخصصی، کاهش وابستگی خارجی و تضمین پایدار تأمین رادیوداروها و سوخت رآکتورهای تحقیقاتی گردیده است. دسترسی داخلی به سوخت، کارایی اقتصادی و امنیت عملیاتی رآکتورها را به‌شدت افزایش داده و به گسترش تحقیقات هسته‌ای و پزشکی کمک کرده است.

سوم، از زاویه حقوق بین‌الملل، ایران با استناد به ماده ۴ معاهده NPT و تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، توانسته مشروعیت حقوقی برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای خود را حفظ کند. پافشاری بر حق غنی‌سازی در چارچوب قوانین بین‌المللی، نه‌تنها مصداق حاکمیت علمی و حقوقی است، بلکه به الگویی الهام‌بخش برای سایر کشورهای مستقل در برابر نظام تبعیض‌آمیز فناوری تبدیل شده است. و در نهایت، از منظر راهبردی و ژئوپلیتیکی، توان بومی غنی‌سازی، به ایران ابزار مؤثری برای ارتقای قدرت نرم، افزایش نفوذ منطقه‌ای، تقویت قدرت چانه‌زنی در مذاکرات و ایجاد بازدارندگی فناورانه داده است. این توانمندی، جایگاه ایران را به‌عنوان بازیگری مستقل و فناورمحور در نظم بین‌المللی نوظهور تثبیت می‌کند. تداوم بومی‌سازی این فناوری، در چارچوب شفافیت و تعامل با نهادهای بین‌المللی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ امنیت، توسعه پایدار، و ایفای نقش فعال ایران در قرن ۲۱ خواهد بود.

آغاز مناقشه هسته‌ای غرب با جمهوری اسلامی ایران، اگرچه تاریخی ۲۲ ساله و به سال ۱۳۸۲ باز می‌گردد، اما در همه این سال‌ها، جمهوری اسلامی ایران، با هدف اعتماد آفرینی نزد طرف‌های غربی همواره کوشیده است، فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را شفاف و با پذیرش بازرسی‌های فنی تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، حسن نیت خود را اثبات کند، اما این طرف‌های غربی بوده‌اند که بنابه ادعاهای اثبات نشده، سعی کردند روند غنی‌سازی صلح‌آمیز در ایران را با چالش همراه سازند. این گزارش تلاش می‌کند فارغ از هیاهوهای موجود، ضرورت غنی‌سازی را به عنوان یک حق قانونی تشریح و تبیین کند.

توان بومی غنی‌سازی اورانیوم، به‌عنوان رکن اساسی در تضمین تأمین پایدار سوخت برای رآکتورهای تحقیقاتی کشور، اهمیت راهبردی بالایی دارد. این رآکتورها نقشی کلیدی در تولید رادیوداروهای حیاتی ایفا می‌کنند که بیش از یک میلیون بیمار ایرانی سالانه به آنها وابسته‌اند؛ رادیوداروهایی که در درمان بیماری‌هایی چون سرطان، بیماری‌های قلبی و اختلالات عصبی کاربردهای حیاتی دارند. به عبارت دیگر، نبود استقلال در تأمین سوخت این رآکتورها، کشور را در معرض وابستگی استراتژیک به منابع خارجی قرار می‌دهد؛ وابستگی‌ای که می‌تواند منجر به قطع یا تأخیر در تولید رادیوداروها، اختلال در درمان بیماران و آسیب جدی به بهداشت عمومی شود. سابقه بدعهدی برخی قدرت‌های خارجی در تأمین سوخت رآکتور تهران، نمونه‌ای بارز از این آسیب‌پذیری است. در حال حاضر علاوه بر ظرفیت صنعتی طراحی و تولید سوخت رآکتورهای قدرت، ظرفیت‌های ایجاد شده برای طراحی و ساخت نیروگاه‌های اتمی و پروژه‌های طرح ۲۰ هزار مگاوات یک تحول راهبردی است که این امر نه تنها موجب شگفتی جریان استکباری شده است بلکه سبب گردیده تا به هر صورت ممکن از تحقق، قابلیت و ظهور ایران در این عرصه جلوگیری نمایند. این قابلیت به‌عنوان یک دارایی راهبردی، فرصت‌های گسترده‌ای برای تقویت امنیت انرژی کشور، کاهش وابستگی‌های خارجی و افزایش بهره‌وری در تولید انرژی هسته‌ای فراهم می‌آورد.

غنی‌سازی یک ابزار بازدارنده نرم

یکی دیگر از ساحت‌های برخورداری از حق غنی‌سازی، افزایش قدرت چانه‌زنی بین‌المللی است. ظرفیت فنی و عملی ایران در غنی‌سازی اورانیوم، به‌ویژه توانایی کنترل‌پذیر در کاهش یا افزایش سطح غنی‌سازی، به‌عنوان یک اهرم دیپلماتیک مؤثر، جایگاه راهبردی ایران را در مذاکرات بین‌المللی، از جمله در برجام گذشته و مذاکرات جاری و آینده، تقویت کرده است. این توان فناورانه نه‌تنها صرفاً یک قابلیت فنی، بلکه به‌عنوان یک ابزار بازدارنده نرم و مشروع، امکان مشارکت فعال، انعطاف‌پذیر و هدف‌مند ایران در ترتیبات امنیتی و سیاسی بین‌المللی را فراهم می‌سازد. قدرت تنظیم‌پذیری سطح غنی‌سازی - در چارچوب نظارت بین‌المللی - به ایران اجازه می‌دهد در قبال پایبندی یا بدعهدی طرف‌های مقابل، سیاست‌های متقابل متناسب و قانونی اتخاذ نماید. این سازوکار، ضمن افزایش وزن چانه‌زنی ایران در میز مذاکره، پیامی روشن به طرف‌های مقابل مخابره می‌کند: ایران کشوری با توان فنی بالا، قدرت تصمیم‌گیری مستقل و اراده سیاسی فعال است که می‌تواند با حفظ چارچوب‌های حقوق بین‌الملل، از حقوق مشروع خود دفاع کرده و منافع ملی‌اش را به‌طور مقتدرانه دنبال کند.

علاوه بر اینها تسلط ایران بر فناوری غنی‌سازی اورانیوم، در عین آنکه در چارچوب مصارف صلح‌آمیز و زیر نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دنبال می‌شود، به‌طور طبیعی نوعی «بازدارندگی راهبردی فناورانه» نیز ایجاد می‌کند. این نوع بازدارندگی، برخلاف بازدارندگی نظامی کلاسیک، پیش‌دستانه، غیرتهاجمی، مشروع و فناورمحور است. ایران نه به‌دنبال سلاح هسته‌ای است و نه به آن نیاز دارد؛ اما توان فناورانه بومی‌اش این پیام را منتقل می‌کند که «در برابر فشار یا تجاوز، توان دفاع از منافع خود را دارد» - و این جوهره بازدارندگی فناورانه در قرن بیست‌ویکم است. همچنین ارزش رشد فناوری هسته‌ای در ایجاد اکوسیستم علمی و فناورانه‌ای است که موجب پیشرفت همزمان در حوزه‌های مختلف تخصصی شده و امکان توسعه فناوری‌های نوین و صنعتی‌سازی آنها را فراهم می‌سازد. این همکاری بین‌رشته‌ای باعث ارتقای دانش بنیادی و مهارت‌های عملی کشور در حوزه‌های کلیدی شده و سرریز فناوری‌ها به صنایع پیشرفته دیگر را تسهیل می‌کند. از منظر اقتصادی هم در صورت توانمندی داخلی در فرایند غنی‌سازی، وابستگی به تأمین‌کنندگان خارجی از بین رفته و هزینه‌های تولید سوخت کاهش می‌یابد. این کاهش هزینه‌ها، امکان تولید سوخت هسته‌ای و رادیوداروها با قیمت پایین‌تر را فراهم می‌کند و پایداری اقتصادی صنایع وابسته به انرژی هسته‌ای را افزایش می‌دهد. از دیگر آثار مترتب بر دستیابی جمهوری اسلامی ایران به فناوری صلح آمیز هسته‌ای می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تثبیت موقعیت راهبردی و یک حق مسلم

جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان تنها کشور منطقه غرب آسیا که با تکیه بر دانش و توان بومی به فناوری غنی‌سازی اورانیوم در سطوح مختلف دست یافته است، جایگاهی ممتاز و متمایز در میان کشورهای در حال توسعه کسب کرده است. اکثر کشورهای منطقه، علی‌رغم برخورداری از منابع مالی گسترده، همچنان در مراحل ابتدایی توسعه چرخه سوخت هسته‌ای قرار دارند و وابستگی کامل به طرف‌های خارجی دارند. ایران با عبور از این مرحله، به‌عنوان کشوری با استقلال فناورانه در حوزه حساس هسته‌ای شناخته می‌شود.

مطابق با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، حق توسعه چرخه سوخت هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم برای مصارف صلح‌آمیز، یک حق مسلم و شناخته‌شده برای اعضای غیرهسته‌ای معاهده است. ایران با تأکید بر این حق قانونی، توانسته است در برابر فشارهای سیاسی و حقوقی، از موضعی مشروع و مستند دفاع کند و فعالیت‌های خود را ذیل نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادامه دهد. این رویکرد، ایران را به نماد دفاع فعال از حقوق کشورهای در حال توسعه در بهره‌برداری از فناوری‌های نوین و پیشرفته تبدیل کرده است. پیشرفت‌های ایران در زمینه غنی‌سازی اورانیوم با اتکا به منابع داخلی و در شرایط تحریم‌های

ویژه

مدعیان خط امام، عبور از امام را به‌روز رسانی کردند

برخی مدعیان اصلاحات، که طی دهه‌های گذشته کوشیده‌اند، با پسوند «خط امام» برای القاب و عناوین حزبی، ضمن مصادره امام خمینی، همه مخالفان خود را منکوب و از میدان به در کنند، در جدیدترین مواضع حزبی خود (بیانیه جبهه اصلاحات)، آن‌هم در آستانه سالگرد ارتحال امام، نه تنها یادی از امام و پیگیری آرمان‌های امام نکرده‌اند که بر «بازسازی نظم سیاسی در چارچوب جمهوریت و تمرکززدایی دموکراتیک» تأکید کرده‌اند، بی‌آنکه از عنصر اسلامیت نظام سخنی به میان آورند.

تشتت و تعارض در جریان اصلاح‌طلبی البته محدود به همین مواضع حزبی و عبور از ساختارها و آرمان‌های نظام اسلامی نمی‌شود، بلکه اختلافات درونی آنها را به نقطه‌ای رسانده است که برخلاف مشی سیاسی گذشته که کمتر اجازه می‌دادند، اختلافات درونی به ساحت رسانه‌ها و افکار عمومی بکشد، اکنون به افشاگری عمومی رو آورده‌اند. همین چند روز پیش بود که عباس عبدی در سرمقاله هم میهن با عنوان «اصلاح‌طلبی؛ راه یا مغازه؟» پدرخوانده‌های این جریان را متهم کرد که اصلاح‌طلبی را مصادره کرده‌اند و همچون کمونیست‌ها هر کس غیر از خود را مرتد و تجدیدنظرطلب دانسته و حکم به حذف آنان دادند. عبدی با اذعان به اینکه افول اصلاح‌طلبان از پایان و حتی اواسط مجلس ششم آغاز شده بود، اضافه کرده: مشکل فقط افول اصلاح‌طلبی نبود بلکه مترادف دانستن اصلاحات با اصلاح‌طلبی بود که عده‌ای شکست و عدم موفقیت یکی را به منزله شکست دیگری تلقی کردند. مشکل بدتر این بود که برخی از منسوبین به اصلاحات سعی کردند که خود را متولی دائمی اصلاح‌طلبی بدانند و غیر خود را رد کنند، در حالی که خودشان بیش از حد از این اصول عدول کردند و امروز هم برخی از آنان تحت همین اسم ولی با رسم دیگری عمل می‌کنند. او تأکید کرده: اصلاح‌طلبی یک مغازه نیست یک راه است.

انتقادات به پدرخوانده‌های اصلاحات به همین مورد خلاصه نشده و محمدرضا جلایی‌پور، در گفت و گو با هم میهن، بخش افراطی جریان اصلاحات را به تلاش برای «خالص سازی» متهم کرده و گفته است: «نوعی گرایش به سمت خالص‌سازی در درون جبهه اصلاحات دیده می‌شود که منجر به کناره‌گیری بخشی از نیروها و کاهش میزان فعالیت بخشی دیگر شده است و اصلاح‌طلبان باید مراقب این گرایش‌های خالص‌ساز باشند.»

اما تعارض و تشتت مدعیان اصلاح‌طلبی که اکنون جبهه اصلاحات سرآمد آن است، با بیانیه آنها در پایان نشست سراسری، ظهور و بروز بیشتری پیدا کرده است. عبدالله گنجی، فعال رسانه در تحلیل این بیانیه نوشته است دو موضوع یا دو عبارت مطلقاً در بیانیه دیده نمی‌شود. ۱- اسلام/اسلامیت/امام (در آستانه سالگرد) ۲- علیرغم همسویی با دولت از مهم‌ترین مسئله روز مردم یعنی معیشت یک کلمه در آن نیست. گنجی نوشته: در تیتر بند یک بیانیه آمده است: بازسازی نظم سیاسی در چارچوب جمهوریت و تمرکززدایی دموکراتیک. حتی حاضر نشدند بنویسند «در چارچوب جمهوریت و اسلامیت!» این تحلیلگر اضافه کرده: «مدعی خط امام هستند، اما پنهان می‌کنند که امام عبارت "دموکراتیک" را در پاسخ مهندس بازرگان به دیوار کوبید. در کمال تعجب ادبیات BBC مثل آزادی "زندانیان عقیدتی" در آن به کار رفته است.» گنجی نوشته: «درست است که اصلاح‌طلبان طیف هستند و شخصیت‌های محترمی هم در آن هست اما برون داد آن همیشه در چنین مواقعی "اصلاحات به مثابه سکولار دموکراسی" بوده است. نمی‌دانم این هنر جمهوری اسلامی است یا مظلومیت آن که بخشی از نخبگانش هم همراهش هستند هم اپوزیسیون آن می‌باشند. آنچه قطعی است بازگشت به تنظیمات ۱۳۷۷ - ۱۳۸۳ است.»

عبور از امام و اندیشه‌های امام نزد مدعیان اصلاح‌طلبی، البته، مسبوق به سابقه است و اگر در زمان‌هایی صراحت در از عدول نداشتند، یا در قدرت بودند یا مصلحت‌اندیشی کردند. وگرنه اکبر گنجی فعال اصلاح‌طلب فراری، سال ۱۳۷۹ در حاشیه کنفرانس ننگین برلین در گفت و گو با روزنامه اشپیگل آلمان عبور از امام را فریاد زد. او ابتدای این مصاحبه وقتی در برابر سؤال روزنامه‌نگار آلمانی درباره آینده حکومت ایران قرار می‌گیرد می‌گوید: «حرکت اصلاح‌طلبان ما عاقبت به جدایی دین از سیاست خواهد انجامید.» گنجی در برابر سؤال این روزنامه مبنی بر اینکه آیا [امام] خمینی نیز به موزه خواهد رفت، قرار می‌گیرد و این گونه پاسخ می‌دهد: «ما تلاش می‌کنیم [امام] خمینی را به گونه‌ای تفسیر کنیم که مخالف دموکراسی نباشد. خمینی دیگر وجود ندارد؛ آنچه وجود دارد فقط برداشت‌های ما از سخنان اوست. او به هر حال یک روزی به موزه خواهد رفت و هیچ کس نمی‌تواند جلوگیری کند. این یک تکامل تاریخی است.»

ستون دوشنبه‌ها

از حاشیه تا متن

تقی دژاکام
روزنامه‌نگار

ریزه‌کاری‌های شخصیت یک بزرگمرد

ادامه از صفحه یک

امام در به کاربردن واژه‌ها و تعابیر هم دقت‌های ریزی داشتند. چندین حکایت از این دقت و ریزبینی در کاربرد کلمات از ایشان نقل شده است. از جمله در پیام پس از شهادت یکی از بزرگان انقلاب که پیام خود را پس گرفتند و واژه «بشدت» را از عبارت «من این عمل را بشدت محکوم می‌کنم» حذف کردند و در حاشیه پیام نوشتند: «واژه "بشدت" بوی انتقام می‌دهد، در شأن ما نیست.» یا در پیامی به رزمندگان جبهه‌ها که نوشته بودند «من با همه توان به شما دعا می‌کنم» که بعد گفته بودند برگه را برگردانند و عبارت «با همه توان» را حذف کرده بودند و گفته بودند «شاید با همه توان دعا نکنم» و خاطره مشابهی که رهبر انقلاب از ایشان نقل می‌کنند که امام یک عبارت شفاهی خودشان را در دیدار بعدی با ایشان اصلاح کرده بودند.

دقت‌های ریز، اما مهم در آداب سیاسی امام هم قابل تأمل است. هنگامی که فرانسوا میتران به آقای رجایی رئیس جمهور وقت کشورمان پیام تبریک فرستاده بود و وی با تندی به رئیس جمهور فرانسه جواب داده بود، امام بشدت برافروخته شد و خطاب به رئیس جمهور کشورمان گفت: «من تو عالم اسلام برای مسلمان‌ها باید حرف بزنم، حرف می‌زنم. تو پست سیاسی قبول کردی، تو رئیس جمهور مملکتی؛ رئیس جمهور باید به عرف سیاسی عمل کند. در عرف سیاسی جواب می‌شنوی، اما حق توهین که نداری. اگر کسی به تو گفت تبریک عرض می‌کنم - هر کس بوده باشد - تو باید بگویی متشکرم. تمام. دوستت است اضافه می‌کنی براش، تعریف می‌کنی؛ نیست، متشکرم آقا.»

امام نامه مهندس بازرگان به خودش را پاره کرد. چرا؟ نامه آقای نخست‌وزیر دو اشکال ظاهراً کوچک داشت: بدون «بسم‌الله» بود و به‌جای «انقلاب اسلامی ایران» نوشته بود «انقلاب ایران». بعد هم گفت به ایشان بگویید انقلاب در ایران کار نکرد، اسلام کار کرد.

وقتی آقایان خامنه‌ای و هاشمی برای ساخت مصلای تهران از ایشان اجازه گرفتند، امام تأکید کرد: «ضمناً سادگی مصلا باید یادآور "سادگی" محل عبادت مسلمانان صدر اسلام باشد و شدیداً از زرق و برق ساختمان‌های مساجد اسلام امریکایی جلوگیری شود.»

هنگامی که برخی افراد در مدرسه علوی از امام خواستند حضور خانم‌ها برای دیدارهای روزانه مردمی با امام محدود یا حذف شود، امام فوراً مخالفت کرد و اظهار داشت: بار اصلی نهضت به دوش همین زن‌ها بوده است. در ترکیب سه‌نفره یکی از مهم‌ترین هیئت‌های سیاسی اعزامی خود بعد از انقلاب برای بردن پیام بسیار مهم به میخاییل گورباچف، یک بانوی فعال سیاسی را هم قرار داد: خانم مرضیه دباغ. این اقدام با واکنش برخی محافل مواجه شد. با این همه همین امام در رعایت احکام شرعی، به خصوص محرم و نامحرم بسیار جدی بود و در محیط خانوادگی هم اجازه نمی‌داد دخترها با پسرهای نامحرم بازی کنند.

یکی از بارزترین و مهم‌ترین نکات ذکرشده از زندگی امام، نظم بسیار دقیق ایشان است تا جایی که گفته‌اند شرطه‌های نجف، ساعتشان را با زمان رفت‌وآمد امام به حرم علوی تنظیم می‌کرده‌اند. آقای سیدحمید روحانی در این‌باره نوشته است: «ایشان هنگامی که می‌خواهد از جا بلند شود، همیشه دست چپ را به زمین می‌گذارد و از جا برمی‌خیزد! نیز وقتی که می‌خواهد برای تدریس بالای منبر برود، ابتدا پای چپ را بر روی پله منبر نهاده با مکثی کوتاه بالا می‌رود و هیچ‌گاه عکس آن از ایشان دیده نشده است. هنگام وارد شدن به منزل، مدرسه و مسجد نیز همیشه ابتدا قدم راست را به داخل می‌گذارد. در خیابان، پیوسته همانند ماشین، از دست راست خیابان حرکت می‌کند و گام‌های سنگین و نظامی برمی‌دارد! با سر و گردنی افراخته و راست و استوار راه می‌رود و از عبا سرکشیدن و سر پایین افکندن حتی در هنگام باران باریدن (که به‌طور طبیعی و ناخودآگاه سر به پایین خم می‌شود) خودداری می‌ورزد. در موعد مقرر برای تدریس در محل درس حاضر می‌شود و از اینکه بیشتر وقت‌ها شاگردها نامرتب و دیر و زود به درس می‌آیند و در امور زندگی بی‌نظم‌اند رنج می‌برد.»

آقای شبیری زنجانی هم از یک دقت جالب امام یاد کرده است: «آقای خمینی ۱۸ جمادی‌الثانی به دنیا آمده، ولی مشهور شده که ۲۰ جمادی‌الثانی به دنیا آمده تا مصادف با ولادت حضرت زهرا(س) باشد. دیدم خود ایشان روی ۲۰ جمادی خط زده و به خط خودش نوشته که در این جهات دقت شود.»

یک خبرنگار فرانسوی هم درباره غذاخوردن امام نوشت: «ناهار امام یک غذای ایرانی به اسم آبگوشت بود و این همان غذایی بود که در آن روز دیگران هم از آن استفاده می‌کردند. آیت‌الله خمینی بر سر سفره‌ای که به غیر از او همسر، پسر، عروس و نوه‌هایش هم بودند، نشست و بعد از بر زبان آوردن نام خدا، مقدار کمی غذا خورد. مدت ناهار خوردن او دقیقاً هفت دقیقه و ۴۰ ثانیه بود و بعد بلافاصله به اتاق کارش رفت. من دو سال پیش، یک‌بار موفق شدم ناهار خوردن "پاپ" را هم به چشم ببینم. مجموعه غذاهایی که برای او تدارک دیده بودند بر روی میزی به طول ۱۲ متر و به عرض ۲/۵ متر چیده شده بود. هیچ نوع غذای ایتالیایی نبود که بر روی این میز نباشد و آن‌وقت حضرت پاپ بر سر این میز به‌تنهایی ناهار خود را میل کردند. مدت ناهار خوردن ایشان یک ساعت و ۵۰ دقیقه بود و بعد باقی غذای ایشان، آن‌طور که من فهمیدم، به کلی معدوم شد.»

امام اهل شعر و شاعری هم بود و بخش مختصری از اشعار باقیمانده ایشان در یک مجلد منتشر شده است. این رباعی از جمله آنهاست:

در محفل دوستان، بجز یاد تو نیست
آزاده نباشد آنکه آزادِ تو نیست
شیرین‌لب و شیرین‌خط و شیرین گفتار
آن کیست که با این‌همه، فرهاد تو نیست؟

خبر

معاون رئیس جمهور:

امام خمینی(ره) مهندس تمدن نوین اسلامی بود

امام خمینی (ره) نه‌فقط رهبر یک انقلاب سیاسی، بلکه مهندس تمدن نوین اسلامی بود. او از نجف و قم تا پاریس و تهران، با شناخت عمیق از دین و زمانه، توانست الگویی برای حکمرانی مردمی، مبتنی بر قانون، عقلانیت و معنویت ارائه دهد.

به گزارش ایرنا، حجت‌الاسلام مجید انصاری در نشست مجمع استانداران که به مناسبت بزرگداشت رحلت حضرت امام خمینی (ره) و شهدای انقلاب اسلامی برگزار شد، با تأکید بر ضرورت رجوع دوباره به سیره امام خمینی، بیان کرد: امام خمینی (ره) در روزگار ما، همانند پیامبران پیشین، الگوی انسان مؤمن و مدیر مؤثر بود. در او دین و دنیا، عرفان و سیاست، انقلاب و قانون، عبادت و مسئولیت در هم تنیده شده بود. او نه‌تنها راه را شناخت، بلکه راه را گشود و پیمود. این همان ویژگی اسوه‌ها در منطق قرآن است. وی در ادامه با اشاره به برخی تصمیمات سرنوشت‌ساز امام(ره) افزود: آن مرد بزرگ، در شرایطی که سنت‌های حوزه علمیه منبر رفتن را دون شأن مرجع می‌دانست، به خاطر انجام تکلیف الهی، خود را از چارچوب‌ها رهانید و بر منبر حق‌طلبی ایستاد. کسی که استاد مسلم اخلاق، عارف و فیلسوف و مدرس بزرگ علوم عقلی و نقلی بود، به میدان مبارزه سیاسی آمد و طرحی نو درانداخت.

معاون حقوقی رئیس جمهور در پایان گفت: امام خمینی (ره) نه‌فقط رهبر یک انقلاب سیاسی، بلکه مهندس تمدن نوین اسلامی بود.